

دروود و سلام حضور شاعر و نویسنده گرانقدر عبدالله نایبی مسؤول نهضت آینده
افغانستان و همکاران گرامی شان!
مدتیست که از مطالب سایت شما استفاده میکنم. غزلی را خدمت میفرستم تا در
صورت امکان با نشر آن منت گزارید:

برخیز تا سقای در تشنه گان شویم!!!

این کاروان نافله را بار آتش است
این شور عاشقانه، ریاکار آتش است

دست دراز گشته دل و دست یار نیست
شاخی که قد کشیده ز دیوار آتش است

پایی که پیش آمده در صدر انجمن
چشمی که ره کشیده شرربار آتش است

در هر وجب، زمین خدا نعره میزند
در کوچه آتش و سر بازار آتش است

بر جان مادران و سر راه کودکان
بر دوش دختران پری وار، آتش است

ویرانه های شهرِ نگونبخت میهنم
جای شکنجه گشته و آمار آتش است

وا حسرتا به قلب شفاخانه های شهر
جای دوا و نان و پرستار آتش است

در باغ باد یکسره بیداد میکند
بر قامتِ بلند سپیدار آتش است

این جاکه من نفس بکشم غیر آه نیست
آن جا کنار دوست به خروار آتش است

این جا منم به کوله ره بار عاشقی
ره بسته و دریچه دیدار آتش است

دیگر نماند تاب نکوهیدن جفا
صدها هزار بار، به تکرار آتش است

برخیز تا سقای در تشنه گان شویم!
در طالعِ نگون شده ناچار آتش است

در شعله های آتش بیگانه سوختن
دانی خطاست عاقبت کار آتش است؟

ققنوس وار دل به دل شعله میزنم
بر فرق عاشقان علمدار آتش است.

۱۸ اکتوبر ۲۰۰۵

موفقیت و سرافرازی تان را آرزو دارم

راحله یار

شهر کبلنز آلمان

www.ayenda.org